

## حوزه علمیه از آغاز فعالیت ها تا دوران حاضر

۱۷ آذر ۱۳۹۵ ساعت ۱۱:۱۲

حوزه علمیه یکی از نهادهای مهم علمی و آموزشی در زمینه مسائل دینی است که سابقه فعالیت های آن به قرن چهارم نیز بازمی گردد. این نهاد گرچه در گذر زمان متولی امور آموزشی طلاب بوده است، اما به دلیل ماهیت خاص علوم اسلامی که بخشی از آن به اموری چون جهاد و مبارزه مربوط می شود، به تربیت افرادی همت گماشته که مبارزات سیاسی با ظلم و ستم را پیشه خود ساخته اند. گرچه نقش این نهاد در دوره‌های خاص و در امور سیاسی، متفاوت و پرنرنگ بوده است؛ اما در دوره رضاشاه، فعالیت های آن به دلیل تنش سیاسی در مواردی چون کشف حجاب، از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد. به گونه ای که می توان کارکرد حوزه علمیه در این دوره را متفاوت تر از دوران قبل از آن دانست که در این نوشته به شرح برخی از این کارکردها و رابطه حوزه و نظام سیاسی در دوره مذکور پرداخته می‌شود.

جوان و تاریخ- مقالات

فعالیت‌های علمی و آموزشی امور دینی در ایران سابقه‌های طولانی داشته و حتی به قرون چهارم هجری و به متکلمانی چون ابن بابویه، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین و... در قرون بعدی بازمی‌گردد. گفته می‌شود این متکلمان و برخی از متکلمان بعدی در دوره‌های بعد در شهر مشهد حضور داشته و جلساتی علمی را تشکیل میدادند. با این حال نقطه عطف اصلی در محافل علوم دینی، در دوره صفویه شکل گرفت. در این دوره به دلیل انتخاب تشیع به عنوان دین رسمی، توجه و اهتمام دولت به علوم دینی افزایش یافته و همین امر باعث مهاجرت بسیاری از علمای دینی به مشهد و متعاقب آن رواج و گسترش مدارس دینی جدید در این شهر میشود.

رشد این مدارس و علوم دینی در دوره قاجاریه تداوم یافته و با پدید آمدن چندین خاندان علمی از جمله آخوند خراسانی، خاندان رضوی و... به تکامل خود ادامه میدهد.

در سالهای ۱۲۹۹-۱۳۰۰، مقارن با دوران قدرتیابی رضاشاه، علمای بزرگی چون میرزا سیدعلی یزدی حائری، میرزا حبیب -خراسانی، سیدعلی سیستانی و چندین عالم دینی بزرگ در مشهد حضور داشتند. اما نقش محوری و اساسی را در این دوره آیت الله عبدالکریم حائری ایفا و تلاشهایی جهت تأسیس حوزه علمیه به شکل امروزی آن میکند. وی از اراک به قم دعوت میشود و حوزه علمیه قم را در سال (۱۳۴۰ ه. ق، ۱۳۰۰ ه. ش) تأسیس میکند. البته پیش از وی میرزا محمدفیض قمی تلاشهایی در جهت تأسیس مدارس دارالشفاء و فیضیه کرده بود. این دو مدرسه از مدارس قدیمی قم و از کانونهای مهم طلاب قبل از تأسیس حوزهی علمیه قم بودند. با این حال، قبل از آمدن مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری، «در قم حوزه‌ای به طور رسمی وجود نداشت با اینکه علمای برجسته‌ای همانند میرزای قمی، حاج شیخ ابوالقاسم زاهد، اقا شیخ مهدی پایین شهری ... در این شهر تاریخی - مذهبی سکونت داشتند.»<sup>۱</sup>

با تشکیل این نهاد، حوزهی علمیه قم در کنار حوزهی علمیه مشهد به یکی از کانونهای اصلی و مهم مبارزاتی در دوران حکومت پهلوی تبدیل میگردد؛ البته واکنش رضاشاه نسبت به طلاب و روحانیون حوزه، در طول دوران حکومت یکسان نبوده و بنابر منافع سیاسی او متغیر بوده است.

دوره اول: ۱۲۹۹-۱۳۱۰، دوران رونق فعالیتهای حوزه

دوره اول، همزمان است با تلاش رضا خان در تحکیم قدرت خود به عنوان نخست وزیر و وزیر جنگ. در این دوره نفوذ علما با توجه به نگرش مطیعانه رضاخان به علما، و همچنین مقاومت علما به ایجاد جمهوری افزایش بسیار یافت. از سویی استقبال احمدشاه قاجار و رفتن او به قم و تبریک جهت تأسیس حوزه بر رونق آن میافزود.

این دوره پس از رسیدن رضاشاه به تاج و تخت نیز ادامه مییابد. رضا شاه کاملاً آگاه بود تا زمانی که علما در قدرت هستند، موقعیتش امن نیست. با این حال، او هنوز هم بیش از حد ضعیف بود، و موقعیتش به خوبی تثبیت نشده بود، از این رو قادر به

انجام هر گونه اقدام علیه آنها نبود. بنابراین، با اقداماتی نظیر شرکت در بسیاری از مراسم های مذهبی و یا کمک به ساخت زیارتگاه های شیعی، آنها را از وفاداری خود به اسلام مطمئن کرد، و از اجرای قانون خدمت نظام وظیفه تازه به تصویب رسیده که در جامعه دینی خدمت به ارتش نامیده میشود، خودداری کرد. بدین ترتیب علیرغم آنکه رضاشاه در باطن تمایل به کاستن از قدرت روحانیون و نیز حوزه‌ی علمیه داشت، اما با ظاهرسازی تلاش میکرد نظر مساعد آنان را در بسیاری از امور سیاسی جلب نماید. به عبارتی میتوان نقش حوزه علمیه در این دوره را کلیدی و روابط حوزه و دولت را آرام و بدون تنش سیاسی توصیف نمود.

دوره دوم: ۱۳۱۱-۱۳۲۰

دوره روابط صلح آمیز بین علما و رضا شاه پس از آن که شاه موقعیت جدید خود را تثبیت کرد، شکسته شد. از سال ۱۳۰۵ به بعد، دولت تلاش های گسترده ای برای نوسازی نهادهای اداری، نظامی، قضایی و آموزشی اعمال نمود. اما این اقدامات در سال ۱۳۱۱ به اوج خود میرسد. رضاشاه در این سالها تلاش جهت کاستن از قدرت سیاسی حوزه را آغاز میکند که بخشی از این موضوع متأثر از نوسازی و بخش دیگر آن به دلیل ترس از قدرت این گروه بود. چنانچه از جمله اقدامات اولیه وی میتوان به غیرمذهبی کردن نظام قضایی در سال ۱۳۱۱ اشاره نمود که بر اساس آن «روحانیون از حق ثبت اسناد در ممنوع شدند و همین موضوع باعث شد تا آنان از بخشی از درآمد خود از طریق محضرداری محروم گردند.»<sup>۲</sup>

علاوه بر این برخی از روحانیون چون مدرس که در دوره‌های قبل با محدودیت کمتر، مواضع سیاسی خود را بیان میکردند، دستگیر و یا تبعید میشوند. این اصلاحات علما را از موقعیت مرکزی قدرت، حذف کرده و آنها را با افسران نظامی، بوروکرات ها، وکلا، معلمان، و روشنفکران مدرن تحصیلکرده جایگزین میکند.

نقطه عطف برخورد حوزه و رضاشاه در این دوره در حادثه مسجد گوهرشاد اتفاق میافتد که بر اثر آن برخی از روحانیون به اقدام کشف حجاب توسط رضاشاه که در راستای سیاست مدرنیزاسیون صورت گرفته بود اعتراض کردند. مخالفت و مقاومت پراکنده علما در سایر جریانها نیز به شدت توسط دولت سرکوب شد. این موضوع و فضای سرکوب حوزه، برای مدتی باعث تعطیلی حوزه و خالی شدن آن از طلاب و علما گردید؛ بعد از حادثه برخی از روحانیون نیز از پوشیدن لباس روحانیت منع شدند، بعضی از علما در

تهران و دیگر شهرهای عمده منزوی شده و برخی از ارتباطات خود با حامیان قبلی را که از جنبه های خاصی از برنامه‌های نوسازی بهره مند شده بودند، از دست دادند.<sup>۳</sup>

در کنار این وقایع، رضاشاه برای محدود کردن هر چه بیشتر حوزه و علما، برای افراد متقاضی در حوزه علمیه، آزمونی را قرار داد تا از این طریق ورود بیشتر افراد به حوزه جهت آموزش و تحصیل را محدود نماید. هر چند تا آن موقع، علمایی چون آیتالله حائری سعی کرده بود از تنش سیاسی با دولت بپرهیزد و حوزه را دور از تنش نگاه دارد؛ اما به این موضوع واکنش نشان داده و خواستار آن گردید که امتحان در قم و تحت نظارت خود وی و یا سایر روحانیون برگزار گردد که در نهایت نیز همین گونه گردید.

با این حال در همین دوران با تلاش علمایی چون میرزا احمد کفایی، علمای بزرگی چون محمدحسین نائینی و یا آقابزرگ اشرفی شاهرودی، از سایر شهرها به حوزه علمیه مشهد دعوت و بسیاری از طلاب و علما به حوزه باز میگردند. این وضعیت تا دوران سقوط رضاشاه ادامه داشت و بعد از سقوط او، حوزه نیز با تحولات جدیدی مواجه میشود.

## فهرست منابع

۱. غلامرضا کرباسچی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۵

۲. استفانی کرونین، رضا شاه و شکل گیری ایران نوین: دولت و جامعه در زمان رضا شاه، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶.

۳. Mohammad H. Faghfoory, (۱۹۸۷), The Ulama-State Relations in Iran: ۱۹۲۱-۱۹۴۱, International Journal of Middle East Studies, Vol. ۱۹, No. ۴, p: ۴۱۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۱۴/حاضر-دوران-فعاليته-آغاز-علميه-حوزه>